

The role of the Anglo-Iranian oil company in the formation of the urban space structure of the Abadan city company (From the establishment of Abadan Refinery to the nationalization movement of the oil industry in 1291-1330)

Reza Habibi Nejad¹ | Hayedeh Khamseh² | Ali Bahrani Pour³
Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23

(DOI): [10.22034/MTE.2021.9157.1340](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9157.1340)

Abstract

Original Article

P 219 - 243

With the transfer of the oil concession to William Knox Darcy in 1901/1280, followed by the discovery of oil in Masjed Suleiman in Khordad in 1908/1287 and the establishment of the Abadan refinery in 1912/1291, employment and migration of labor from abroad and inside to Abadan was provided. British and Iranian oil company managers built a settlement to accommodate these immigrants, and the result was the formation of the city of Abadan by designers and architects of the British and Iranian oil company in accordance with the latest urban development achievements. The upcoming research by combining the descriptive-analytical method and by using library sources and documents and first-hand sources and new research is looking for an answer to the question of what is the role of Anglo-Iranian Oil Company in the formation of the spatial structure of Abadan Industrial City? The findings of the research indicate that Abadan City Company owes its existence, formation and development to the discovery of oil and the establishment of Abadan Refinery. The formation of the space body of the city of Abadan was based on four indicators; The separation of neighborhoods from each other, the design of the city in a linear (longitudinal) form, the design in a checkered and radial form, and the design was based on the idea of the city garden. Based on this, in this research, the role of British and Iranian oil company in the formation and development of the urban body of Abadan Industrial City from the establishment of the refinery to the nationalization of the oil industry has been investigated and evaluated.

Keywords: Anglo-Iranian Oil Company, Oil, Abadan City Company, Abadan, Urbanism

1 -PhD student of Iranian Islamic History, Shiraz University, Shiraz, Iran /habibinegad46@yahoo.com

2 - Department of History and Archeology, Department of Science and Research, Tehran, Iran/ hkhamseh72@yahoo.com

3 - Department of History, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran/ bahrani pour@hotmail.com



نقش شرکت نفت انگلیس و ایران در شکل گیری ساختار فضای شهری شرکت شهر آبادان (از تأسیس پالایشگاه آبادان تا نهضت ملی شدن صنعت نفت ۱۳۳۰ - ۱۲۹۱ ش)

رضا حبیبی نژاد^۱ | هایدیة خمسه (نویسنده مسئول)^۲ | علی بحرانی پور^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.9157.1340](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9157.1340)

علمی - پژوهشی

ص: ۲۴۳/۲۱۹

چکیده

با واگذاری امتیازنامه ی نفت به ویلیام ناکس دارسی در سال ۱۹۰۱/۱۲۸۰م و در پی آن کشف نفت در مسجدسلیمان در خرداد ماه ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م و تأسیس پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۲م زمینه ی اشتغال و مهاجرت نیروی کار از خارج و داخل به آبادان فراهم گردید. مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران برای اسکان این مهاجران اقدام به شهرک سازی نمودند که نتیجه ی آن شکل گیری شرکت شهر آبادان توسط طراحان و معماران شرکت نفت انگلیس و ایران مطابق با آخرین دستاوردهای شهرسازی بود. پژوهش پیش رو با تلفیق روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسناد و منابع دست اول و تحقیقات جدید در پی پاسخی به این سؤال است که شرکت نفت انگلیس و ایران چه نقشی در شکل گیری ساختار فضایی شرکت شهر صنعتی آبادان داشته است؟ یافته های پژوهش حاکی از آن است که شرکت شهر آبادان موجودیت، شکل گیری و توسعه ی خود را مرهون کشف نفت و تأسیس پالایشگاه آبادان است. شکل گیری کالبد فضایی شرکت شهر آبادان بر چهار شاخص: تفکیک و جداسازی محلات از یکدیگر، طراحی شهر به شکل خطی (طولی)، طراحی به شکل شطرنجی و شعاعی و طراحی بر اساس ایده باغ شهر مبتنی بود. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده است نقش شرکت نفت انگلیس و ایران در تکوین و توسعه ی کالبد شهری شرکت شهر صنعتی آبادان از تأسیس پالایشگاه تا ملی شدن صنعت نفت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شرکت نفت انگلیس و ایران، نفت، شرکت شهر آبادان، آبادان، شهرسازی

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران habibinegad46@yahoo.com

۲ - گروه آموزشی تاریخ و باستان شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران hkhamseh72@yahoo.com

۳ - گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران bahrani pour@hotmail.com
تاریخ دریافت: ۰۰/۰۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۲۰



مقدمه

تا پیش از کشف نفت در مسجدسلیمان و تأسیس پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۱ ش/م ۱۹۱۲ شرکت شهری صنعتی به نام آبادان وجود نداشت. ساکنان بومی جزیره ی آبادان (عبادان) در روستاهای ساحلی از راه کشاورزی (کشت گندم و جو و نخيلات) و صیادی و تجارت با کشور عراق و کشورهای واقع در سواحل جنوبی خلیج فارس، به دور از هیاهوی صنعت، نفت و دود در خانه های گلی و حصیری خود روزگار می گذراندند. با کشف نفت در مسجدسلیمان در سال ۱۲۸۷ ش/م ۱۹۰۸ و تأسیس پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۱ ش/م ۱۹۱۲ و تأسیسات بندری، ساکنان این جزیره با جهان صنعت و مدرنیسم روبرو شدند و ناگهان جزیره پرشد از مهاجران خارجی و ایرانی که به جهت استخدام در پالایشگاه به این جزیره سراریز شدند. از همین روی تأسیس پالایشگاه و توسعه ی تأسیسات نفتی و بندری، نقش بسیار مهمی در افزایش جمعیت و تکوین و شکل‌گیری شرکت شهر آبادان داشته است. مدیران انگلیسی شرکت نفت انگلیس و ایران جهت اسکان نیروی کار اقدام به برپایی کمپ^۱ های کارگری نمودند و بدین گونه هسته ی اولیه ی شرکت شهر صنعتی آبادان با ایجاد کمپ های کارگری در اطراف پالایشگاه شکل گرفت. با این وجود شکل‌گیری شرکت شهر آبادان از آغاز تا ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ ش/م ۱۹۵۱ یک روند یکسان و یکنواختی را نپیمود و با فراز و نشیب هایی همراه بود. در سال های آغازین تأسیس پالایشگاه کارگران شرکت نفت در چادرها، آلونک های حصیری و خستی زندگی مشقت باری را می گذراندند و کارگران از کمترین امکانات رفاهی محروم بودند. این روند تا سال ۱۳۰۳ ش/م ۱۹۲۴ ادامه یافت. در طول این مدت، ساختار فضایی شهر کاملاً به صورت نامتعارف به حیات خود ادامه داد. با آغاز سال ۱۳۰۳ ش/م ۱۹۲۴ و لشکرکشی رضاشاه به خوزستان و برچیده شدن حکومت شیخ خزعل از خرمشهر، آبادان و بخش های جنوبی خوزستان، گشایشی در مسکن و شهرسازی پدید آمد و به سخن دیگر فصل تازه ای در معماری و شهرسازی شرکت شهرآبادان گشوده شد. در این دوره که تا ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ ش/م ۱۹۵۱ ادامه یافت شرکت نفت انگلیس و ایران با استخدام طراحان

¹- camp

و معماری چون جیمزمالیسن ویلسون^۱ اقدام به طراحی محلات شرکت نفتی در آبادان برای سکونت مدیران، کارمندان و کارگران نمودند که مهم ترین آن ها محلات بریم^۲ و بوارده^۳ بود. این محلات مطابق با اصول شهرسازی و آخرین استانداردهای شهرسازی ساخته شدند. بخش دیگر شرکت شهر آبادان شامل محلات غیر شرکت نفتی بود که مطابق با هیچ گونه اصول و معیارهای شهرسازی نبود و توسط مردم و با مصالح کم دوام و بی کیفیت ساخته شده بودند و از تمام امکانات شهری محروم بودند.

موقعیت جزیره آبادان پیش از تأسیس پالایشگاه نفت

جزیره ی آبادان (عبادان) تا پیش از تأسیس پالایشگاه در آغاز قرن بیستم میلادی جز یک ده و چند نخلستان که کرانه های آن را می پوشاندند هیچ گونه آثار دیگری از حیات نداشت (فرید، ۱۳۹۱: ۲۵۲). این جزیره را هنگامی که شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م، از شیخ خزعل اجاره کرد، جز جزیره ای پر گل و لای و نامسکون که هیچ منبع و ذخیره ای در آن پیدا نمی شد، نبود (آوری، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

دیوید سون^۴، نخستین انگلیسی ای بود که از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران از جزیره ی آبادان دیدن کرده بود. وی در توصیف این جزیره می نویسد: جزیره ای که جزینش پشه های بزرگ، قورقورقورباغه هایش زوزه ی شغال های دشت اطرافش و بیماری طاعون و مالاریاچیز دیگری نداشت (شرکت های عامل نفت ایران، ۱۳۴۶: ۲۸؛ ولی زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

جرج تامپسون^۵ نیز یکی دیگر از نخستین کارکنان شرکت نفت انگلیس و ایران بود که در حدود سال ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م از شرکت نفت برمه به آبادان فرستاده شد، وی نیز چنین از آبادان آن روز یاد کرده است: «آبادان برای پالایشگاه جای مناسبی بود اما نه شن و ماسه ای برای ساخت و ساز داشت و نه سنگی و آهکی». تأمین کارگر نیز معضل بزرگی بود

^۱- James Mollison Wilson

^۲- Bereym

^۳- Bovardeh

^۴- David Son

^۵- George Thomson

زیراهیچ کارگر ماهر محلی یافت نمی شد. تأمین مواد اولیه و کارگر از الویت های بسیار مهم بود. آجر باید در بصره تولید و از آن جا وارد می شد؛ سنگ، شن و ماسه، آهک و گچ هم باید از بوشهر و کویت می آمد (احسانی ۱۳۹۸: ۳۵۴). الویت نخست مدیران انگلیسی شرکت نفت، ساخت پالایشگاه بود. بدین گونه، سنگ بنای بزرگ ترین پالایشگاه جهان در قطعه زمینی به مساحت یک مایل مربع نهاده شد.

مدیران انگلیسی شرکت نفت انگلیس و ایران برای تأسیس پالایشگاه و ایجاد بندر صادراتی نفت با شیخ خزعل وارد مذاکره شدند. از سوی شرکت نفت انگلیس و ایران، سروان سرپرستی زاخاریاکاکس^۱ برای مذاکره با شیخ خزعل تعیین شد. وی ضمن عقد قرارداد با شیخ خزعل و تعیین گارد پالایشگاه نفت از میان ساکنان بومی موافقت شیخ خزعل را برای فروش ۱۳ کیلومتر مربع از زمین های واقع در جزیره الخضر (آبادان) جلب کرد. طبق موافقت نامه خزعل - کاکس زمین پالایشگاه پس از انقضای مدت امتیاز نفت به ورثه ی خزعل می رسید (بحرانی پور، ۱۳۹۲: ۷۹؛ ویلسن، ۱۳۶۳: ۱۱۷/۱۱۴). بر اساس گزارش برتیش پترولیوم^۲، مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م زمین های پالایشگاه و روستاهای همجوار آن یعنی بریم، را به قیمت جریبی یک پوند از شیخ خزعل اجاره کردند. آنان در سال ۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۴ م زمین های بیشتری را به همین قیمت اجاره کردند (Bp 68779).

شکل گیری کالبد فیزیکی شرکت شهر صنعتی آبادان

مورفولوژی^۳ شرکت شهر صنعتی آبادان از آغاز تأسیس پالایشگاه در سال ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م تا ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ ش / ۱۹۵۱ م را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

دوره ی نخست: از سال ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م تا ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م می باشد. در این بازه زمانی رشد کالبدی شهر در محدوده ی پالایشگاه بود. این بازه ی زمانی همزمان با فراز و نشیب حاکمیت شیخ خزعل در خوزستان است. در طی این دوره شرکت نفت انگلیس

^۱ - Sir Percy Zachariah Cox

^۲ - British Petroleum

^۳ - Morphology

و ایران برای آنکه تماسی با شهر نداشته باشند کانالی بین شهر و مؤسسات خود حفر کرده بود که عبور از آن برای کسانی که عضو شرکت نفت نبودند بدون اجازه غیرممکن بود (فاتح، ۱۳۳۴: ۴۲۸). بنابراین جوی های فاضلاب و کانال های بهداشتی ای که برای بردن فضولات انسانی به رودخانه حفر شده بودند، در عین حال نقش موانع فیزیکی تحمیل کننده ی تفکیک فضایی را نیز بازی می کردند و از محدوده های اختصاصی که شرکت نفت، خود با رضایت دولت برای خودش ایجاد کرده بود، حفاظت می کردند (احسانی، ۱۳۹۸: ۵۴۴). روی هم رفته ساختار فضایی شرکت شهر آبادان در این دوره، اجتماعی از چادرها، آلونک های حصیری و خستی و تعدادی خانه ی آجری بود که اختصاص به مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران داشت.

دوره ی دوم: از سال ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م تا سال ۱۳۳۰ ش / ۱۹۵۱ م می باشد. این بازه زمانی از فروپاشی حاکمیت شیخ خزعل در خوزستان تا پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت می باشد. در این دوره، محله های شرکت نفت انگلیسی نشین بریم و کارمندی بواره ی شمالی و جنوبی و نیز محله های شرکت نفتی کارگری فرح آباد، بهار، بهمنشیر و پیروز آباد و همچنین محلات غیر شرکت نفتی مانند احمدآباد و بازار پدید آمدند. در واقع ساختار فضایی شهر مدرن و صنعتی آبادان در این دوره پس از تخریب آبادان اولیه از سوی شرکت نفت که در قالب چادرها، آلونک های حصیری، کپری و حلبی آبادها برپا شده بود، پدید آمد. همچنین در این دوره، پای طراحان و معماران شهری همچون جیمز مالینسن ویلسون به آبادان باز شد و وی و همکارانش الگوهای شهرسازی اروپایی را که پیش از این در مستعمرات تجربه کرده بودند، در آبادان به اجرا گذاشتند.

مورفولوژی یا کالبد فیزیکی شرکت شهر آبادان در این دوره براساس چهار شاخص پایه ریزی شده بود که عبارت بودند از: (۱) اصل تفکیک و جداسازی محلات از یکدیگر (۲) شکل خطی شهر (۳) شکل شطرنجی شهر (۴) طراحی شهر براساس باغ شهر ابنزرهاوارد^۱ (۱) اصل تفکیک و جداسازی محلات از یکدیگر: ساختار فضایی شرکت شهر آبادان برپایه ی مهندسی اجتماعی یا مورفولوژی اجتماعی از نوع متضاد آن پایه ریزی شد. همین امر منجر به ساختار فیزیکی شدیداً سلسله مراتبی و در عین حال مجزاگردید. بنابراین،

¹-Ebenezer Howard

عامل مهمی که در طراحی شهر آبادان تأثیر گذاشت، اختصاص محله ها به طبقات و گروه های شغلی شاغل در شرکت نفت آبادان بود. انگلیسی ها شدیداً به جدایی فضایی براساس جدایی اجتماعی (نابرابری اجتماعی) معتقد بودند و تمام تلاششان براین بود که یک الگوی فضایی منطبق بر الگوی نابرابری در صنعت نفت را به وجود آورند. در طراحی نقشه های اولیه ی آبادان می توان تأثیر تجربه های متفاوت شهرسازی صنعتی در انگلیس و در مستعمرات را مشاهده نمود. به همین دلیل از ابتدا آبادان شهری « دوگانه » بود. دوگانه بودن آبادان به این معنی بود که شهر به دو فضای مجزا و منفک از یکدیگر تقسیم می شد که اولی فضای « رسمی » و مطلوب شرکت نفت و انگلیسی ها و تحت نظارت و کنترل مدیران و متخصصان آن بود و دیگری فضای « غیررسمی » که علی رغم خواست شرکت نفت و در کنار مناطق رسمی توسط مهاجران و افرادی که جذب محیط پویا و اقتصاد زنده ی آبادان شده بودند، بنا شد. « این تناقض و تضاد میان دو فضای رسمی و غیر رسمی، قانونی و قاچاقی، منظم و پراکنده، مرفه و فقیر، مدرن و التقاطی، کنترل شده و مستقل و زنده و آزاد » وجه مشخصه ی آبادان شد (احسانی، ۱۳۷۸: ۲۳). به سخن دیگر این شهر از دو قسمت تشکیل می شد یک بخش صنعتی که مختص کارخانجات بود و بخش دیگر که بازار و منازل و خیابان ها در آن جا واقع و محل کسب و کار افراد مقیم آبادان شده بود (دانشور، ۱۳۲۷: ۱/۱۲۷). بر همین اساس ساختار فیزیکی شهر آبادان به دو قسمت کلی « شرکت نفتی » و « غیر شرکت نفتی » تقسیم می گردید که کاملاً دارای ساختاری مجزا و تفکیک شده بود. از اینرو می توان انطباق جدایی طبقاتی را با جدایی فیزیکی ساختار شهر ملاحظه کرد.

بنابراین چنین می توان نتیجه گرفت که مورفولوژی شرکت شهر آبادان زاینده ی دو منطبق بوده است: منطبق جداسازی در برابر منطق یکپارچه سازی. در تمام مناطق شهری، جداسازی یک پدیده ی طبیعی می باشد، اما در شهری مانند آبادان و تا حدود کمتری مسجد سلیمان، این تبعیض و جداسازی طرح ریزی شده بود.

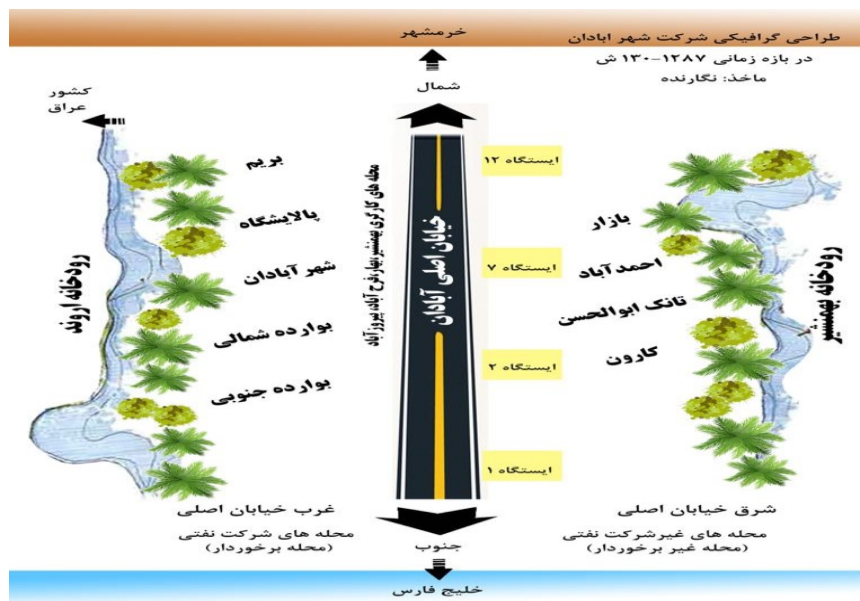
بدین ترتیب شهرک نفت آبادان مانند یک دهکده ی فئودالی اروپایی سازمان داده شد که در آن پالایشگاه مانند قصری بود که منطقه ی اشرافی شهر را از محله ی کارگران و مردم عادی جدا می ساخت. سیستم جاده ها، زمین های بایر و خطوط لوله طوری قرار گرفته بودند که ارتباط بین دو قسمت شهر را تقریباً غیر ممکن می ساختند (لاولین دور تینگ،

۱۳۸۲: ۲۰۲). به هر حال سیاست جداسازی و تبعیض میان شهرک نفت و شهر بومی و یا شهری که توسط شهرداری ایجاد گردیده بود، کاملاً واضح و آشکارا نمود داشت. براساس اسناد آرشیوی، در سال های آخر فعالیت های شرکت نفت انگلیس و ایران، بیش از دوهزار خدمتکار و مستخدم خانگی برای اروپایی ها کار می کرده اند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱۷۴۵۰/۲۴۰). این سند نشانگر کاهش سخت گیری های مدیران شرکت نفت در سالهای پایانی فعالیت های خود در آبادان است.

واقع امر این است که طراحان و معماران شهری محلات، آبادان را نه براساس سلسله مراتب نسبی و روابط ایلی و وابستگی های خونی، بلکه براساس درجه تحصیلات و وضعیت درآمدی و حقوق قانونی و رتبه ی شغلی کارکنان طراحی کردند (کوچیکیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۶) طراحی ای که پیش از این در ایران مسبوق به سابقه نبود و شرکت شهر آبادان را باید پیشرو در این نوع طراحی دانست. این نوع طراحی به نوعی با اهداف و مقاصد استعمارگونه ی مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران همخوانی داشت.

۲) شکل خطی شرکت شهر آبادان: مورفولوژی شرکت شهر آبادان به شکل خطی می باشد. این نوع ساختار شهری متأثر از عوامل جغرافیای و طبیعی بوده و از میان چهار شاخص شهرسازی، تنها شاخصی است که در پدید آمدن آن، طراحان و معماران شهری شرکت نفت انگلیس و ایران نقشی نداشته اند. به هر روی، شکل گیری شهر آبادان واقع در جزیره ای است که این جزیره مابین دو رودخانه ی اروندرود و بهمنشیر قرار گرفته است و اجازه ی شهرسازی در خارج از این محدوده امکان پذیر نبود. طول این جزیره ۸۴ کیلومتر و عرض آن از ۶ تا ۳۰ کیلومتر متغیر است. بر همین اساس ساختار فیزیکی شهر به شکل خطی (طولی) در امتداد دو رودخانه ی مزبور طراحی شده است. علاوه بر آن، در امتداد این دو رودخانه، یک خیابان اصلی قرار دارد که نقش بسزایی در مورفولوژی شهر آبادان داشته است. این خیابان از جنوب شهر و از ایستگاه یک شروع می شود و تا شمال شهر در ایستگاه ۱۲ پایان می پذیرد. این خیابان آبادان را به دو قسمت غربی و شرقی تقسیم کرده است که از آن به دو قسمت شرکت نفتی (برخوردار) و غیر شرکت نفتی (غیربرخوردار) یاد می شود. آنچه که تحت عنوان شهر آبادان می شناسند در قسمت غربی خیابان اصلی واقع شده است. یعنی همان منطقه ی شرکت نفتی یا برخوردار که شامل محله های انگلیسی نشین بریم، محله های کارمندی بوارده ی شمالی و جنوبی و نیز محله های کارگری فرح آباد، بهار،

بهمنشیر و پیروز آباد می باشد . مردمان بومی و برخی مهاجران که شغل آنان ارتباطی با صنایع نفت نداشت، عمدتاً در سمت شرقی خیابان اصلی ساکن شدند و برای سکونت اقدام به ساخت خانه هایی در این محله ها با معماری بومی نمودند . این محلات شامل بازار، احمدآباد، تانکی ابوالحسن، سده، کپرها، حصیرآباد و زاغه های غیرمجاز بود.



طراح : نگارنده

۳) شکل شطرنجی شرکت شهر آبادان : تنظیم نقشه های شطرنجی برای شهرها، خاص زمان حاضر نیست .

درگذشته نیز اقوام و ملی بودند که هریک برطبق میل و نیاز به تنظیم نقشه های شطرنجی اقدام نموده اند . در ایران باستان شکل شهرها در دوره ی سلوکیان و پارت ها به تدریج در پیروی از قواعد و روال هایی کمابیش معین، استواربود . در این دوره، برخی از شهرها به شکل شطرنجی احداث شدند . اغلب این شهرها دارای دو راه اصلی متقاطع و راه ها و کوچه هایی به موازات آن ها بودند (سلطان زاده، ۱۳۶۵ : ۷۳-۷۲) . در دوره ی ساسانیان نیز شهر جندی شاپور به گونه ی شطرنجی احداث شده بود .

در عصر حاضر، طراحان و مهندسان شهرسازی شرکت نفت انگلیس و ایران، فضای شهری شرکت شهر آبادان را به مانند صفحه‌ی شطرنجی طراحی کرده بودند. آنان در طراحی محلات شرکت نفت با تهیه‌ی نقشه‌ی طراحی واحدهای مسکونی به صورت شطرنجی که در اصطلاح شهرسازی «هیپودامیک»^۱ گفته می‌شد عمل نمودند. از خصوصیات این نوع از طراحی و اجرای شهری، خانه‌های هم شکل و همسان در قطعات زمین با مساحت مساوی و دارا بودن خیابان‌های صاف و مستقیم است که یکدیگر را به صورت متقاطع قطع نموده و چهارراه‌ها را ایجاد می‌نمایند. این گونه طراحی شهری هنگامی که از ارتفاع بالاتر از زمین یا «دیدپرنده» مشاهده شود به صورت خانه‌های چهارگوش مرتب دیده خواهد شد و صفحه‌ی شطرنجی را به ذهن متبادر می‌سازد. طرح شهری مذکور شطرنجی نامیده می‌شود. این نوع شکل شهری در آن زمان اروپا و انگلیس تحت عنوان «منطقه بندی» رواج داشت و به همین سبب همان الگو به شهرهای اولیه‌ی سکونتگاه انگلیسی‌ها نیز در مناطق نفت خیز خوزستان نیز نفوذ و رواج یافت. نمونه برجسته‌ی این نوع طراحی، در محله‌ی «بوارده» آبادان اجرا شد. به هر روی بلوارهای وسیع و الگوهای شطرنجی که ویژگی فضای رسمی آبادان بود، این شهر را از دیگر شهرهای ایران متمایز کرد (احسانی، ۱۳۹۸: ۵۹۹). در واقع این نوع شهرسازی الگوی شهرسازی و معماری در بسیاری از مناطق ایران گردد. به طوری که شهرهایی چون فولاد شهر و سرچشمه براساس الگوی شهرسازی آبادان ساخته شده‌اند (میدری، ۱۳۷۸: ۲۹).

۴) طراحی شهری شرکت شهر آبادان براساس باغ شهر ابنزرهاوارد

الگوی شهرسازی و معماری شهری شرکت شهر آبادان متأثر از الگوهای رایج در انگلستان و به ویژه ایده‌ی باغ شهر ابنزرهاوارد بود. وی ضمن ایده‌ی احداث باغ شهر، معتقد بود، در شهر باید میان صنعت و کشاورزی تعادل برقرار باشد. شهر در عین حال که از برخی تأسیسات صنعتی کوچک برخوردار است، فضای سبز (فضای سبز شهری) و اراضی کشاورزی آن می‌بایست ۵ برابر کل شهر وسعت داشته باشد. وی معتقد بود چنانچه جمعیت شهر افزایش می‌یافت لازم بود که در آن سوی فضای سبز، شهر تازه‌ای با همان فضاها و کمربندی‌های سبز احداث گردد (Osborn, 1969: 27 - 28).

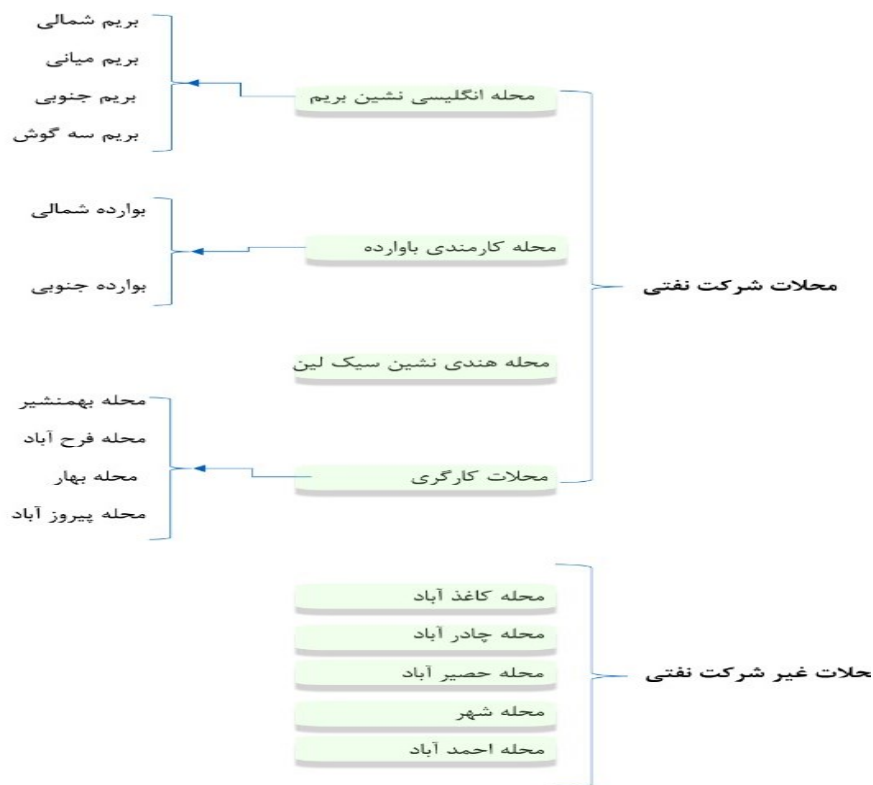
¹-Hypodamic

در طرح باغ شهر، خانه‌های مسکونی باید باغچه‌های مشترک داشته باشند، همچنین فضاهای سبز عمومی وسیع، مانند پارک مرکزی، به وجود آید و علاوه بر این‌ها، خیابان‌ها در دل ناحیه‌ی مسکونی همچون یک نوار سبز عبوری طراحی شوند. یکی از جالب‌ترین امتیاز طرح باغ شهر هاوارد، تقسیمات فرعی شهر است. به اصطلاح، منطقه بندی داخلی شهر به مفهوم «خودیار» آن بیشتر مورد توجه می‌باشد یعنی هر یک از تقسیمات فرعی یا منطقه‌ی شهر، خود از امکانات محدود یک شهر بهره‌مند می‌شود. در اینجا هر بخش از شهر و یا یک ششم جمعیت شهر که ۵۰۰۰ نفر می‌باشند نیازمندی‌های روزمره‌ی خود را در داخل واحد خویش جست و جو می‌کنند. مدرسه‌ها، کلیساها، سالن کنسرت و کتابخانه از آن جمله است (شکوئی، ۱۳۵۴: ۵۹). از اینرو، به اعتقاد هاوارد، باغ شهر را باید تصور کاملی از یک شهر مستقل و خودبسنده نامید و نه یک شهر حومه یا محله‌ای اعیان‌نشین بلکه شهر او بیان تازه‌ای از نوع جدید اسکان بود.

مورفولوژی شرکت شهر آبادان توسط جیمز مالین و پلسون طراح و معمار شرکت نفت انگلیس و ایران و براساس الگوی شهرسازی و ایده‌ی باغ شهر اینزرهاوارد طراحی شده است. از همین روی، درصد بالایی از کالبد فیزیکی شرکت شهر آبادان را فضای سبز پوشانده بود. به طوری که سیمای فضایی آبادان به شکل باغ شهری از درخت‌های متنوع با بوته‌های مورد هرس شده، خیابان‌های پهن سرسبز از ردیف‌های مورد، درخت‌های زینتی نخل، بیدهای مجنون، خانه‌های پرگل رنگارنگ و چمن‌زارهای باطراوت درآمده بود (باور، ۱۳۹۸: ۴۷۹). بنابراین، مهمترین عاملی که در سیمای آبادان نقش بازی می‌کرد نوع ارتباط فضای سبز خانه‌ها با معبر عمومی بود که براساس فرهنگ انگلیسی، حریم بسیار کم رنگی برای آن تعریف شده بود ولی در دوره‌ی بعد حتی به دیوار سبز پیرامونی بسنده نکرده و حریم خود را با دیوارهای ماسونری^۱ احاطه کرده‌اند. این امر، سیمای شهر را کاملاً متحول کرده است و این نوع ارتباطی واسطه‌ی بصری نتوانسته در ساختارهای بعدی تداوم یابد (نوروزیان پور و سلطانی قرایی، ۱۳۹۲: ۹). به هرروی، طراحی آبادان براساس الگوی باغ شهر موجب گردید که برخی پژوهشگران، آبادان را نخستین شهر ایرانی پیشرو در امر شهرسازی مدرن معرفی نمایند.

^۱ Masonry-دیوارهایی که با مصالح آجر، سنگ، سیمان می‌باشند.

چارت محلات شرکت نفتی و غیر شرکت نفتی شهر آبادان
۱۳۳۰-۱۲۸۸



طراح: نگارنده

محلات شرکت شهر آبادان

هسته ی اولیه ی شرکت شهر صنعتی آبادان با احداث پالایشگاه در سال ۱۲۸۸ ش/ ۱۹۰۹ م پایه ریزی گردید و تا سال ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۱ م که مصادف با ملی شدن صنعت نفت بود، گسترش یافت. در این بازه ی زمانی شرکت نفت انگلیس و ایران از همان ابتدا براساس سلسله مراتب شغلی و طبقاتی، شرکت شهر آبادان را به دو فضای شهری کاملاً

مجزا تقسیم کرد که این دو فضای تفکیک شده عبارت بودند از: (۱) فضای رسمی و شرکت نفتی که با نوعی شهرسازی برنامه ریزی شده و معماری الگو گرفته شده از غرب (اروپا) طراحی و احداث گردید. و شامل محلات بریم، بوآرده و محلات کارگری می شد. (۲) فضای غیررسمی یا غیرشرکت نفتی که شرکت نفت انگلیس و ایران هیچ گونه توجهی به آن ها نداشت و تا سال ها فاقد هرگونه امکاناتی بودند. این محلات شامل محله های چادرآباد، حصیرآباد، بازار، محله ی شهر و احمدآباد می شد. کاستلو^۱ درباره ی نحوه ی قرار گرفتن محلات آبادان می نویسد: با وجود این که تفکیک قومی و نژادی توسط سیستم تجویز نمی شد ولی عملکرد طوری بود که محلات براساس گروه های ملیتی و قومی شکل گرفته بود. در طرف شرق، محل سکونت اولیه ی ایرانیان یعنی روستای آبادان بود. مناطق مسکونی ساخته شده توسط شرکت کاستین^۲، شرق و غرب پالایشگاه را احاطه کرده بود (کاستلو، ۱۳۶۸: ۶۵).

الف) محلات شرکت نفتی آبادان

محله های شرکت نفتی آبادان به مناطقی تقسیم می شد و هر منطقه مخصوص رده ای از کارکنان شرکت نفت بود و در این مناطق دقیقاً همان تفاوت های سلسله مراتب طبقاتی شرکت نفت دیده می شد. هرگروه از کارکنان بنا به رتبه و مقامی که داشتند و یا برحسب تفاوت های نژادی و ملی (انگلیسی، هندی و ایرانی) از یکدیگر تفکیک شده بودند و در منطقه ای خاص زندگی می کردند. بدین سبب در محله های شرکت نفتی آبادان، تا پیش از جنگ جهانی دوم، نظام تمام عیار تفکیک نژادی همه جا مستقر بود. کارمندان انگلیسی محله ای خاص به نام بریم داشتند. کارمندان هندی در کوی سیک^۳ می زیستند و کارمندان ایرانی و تعدادی انگشت شمار از رؤسای دوایر دولتی در بوآرده ی جنوبی ساکن بودند. منطقه های کارگر نشین هم کاملاً مجزا بود. این جدایی در سایر شئون زندگی هم به چشم می خورد (کامشاد، ۱۳۸۸: ۸۸).

مورفولوژی محلات شرکت نفتی آبادان به صورت شطرنجی طراحی شده بودند. در این

^۱-Costello

^۲-Company Chastain

^۳ Sic Line

نوع معماری شهری به جای کوچه های باریک و گذرهای پیچ در پیچ و طولانی، خانه های دیواربه دیوار کارگران با درهای منازل یکسان، به روی خیابان های عریض و یا به روی کوچه های تنگ و مستقیم و کوتاهی گشوده می شد که از دو طرف به خیابان های عریض منتهی می شد (احسانی، ۱۳۷۸: ۲۸).

این محلات به ترتیب اهمیت و کیفیت عبارت بودند از: بریم، بوارده (جنوبی و شمالی)، سیک لین، بهمنشیر، فرح آباد، بهار و پیروزآباد.

محله ی بریم: مورفولوژی شرکت شهر آبادان به شکل شطرنجی طراحی و اجرا شده بود حال آنکه طراحی نقشه ی بریم به شکل شعاعی و قطاعی بوده است (فرید، ۱۳۹۱: ۵۶۷). ویلسون در طراحی محله ی بریم جریان وزش باد را نیز از نظر دور نداشته است. پالایشگاه آبادان در مرکز مناطق مسکونی قرار داشت. جریان باد در آبادان تقریباً در بیشتر ایام سال از طرف شمال غربی (بریم) به طرف جنوب شرقی (بوارده و بهمنشیر) بوده است. در تمام این مدت دودکش های بزرگ و متعدد پالایشگاه آبادان به طرف مناطق ایرانی نشین هدایت می شد و درحالی که ساکنان ایرانی آبادان از دود و گازهای پالایشگاه با انواع ناراحتی ها روبرو بودند، انگلیسی های ساکن بریم در پاییز، زمستان و اوایل بهار از هوای بهشتی آبادان استفاده کرده و لذت می بردند و در بقیه ی بهار و اوایل تابستان از شب های خنک بدون دود و گاز برخوردار بودند (فخیمی، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۷).

ساختار فضایی محله ی بریم به چهار محله ی کوچکتر تقسیم می شد. بریم جنوبی، بریم شمالی، بریم میانی و بریم سه گوش. در ناحیه ی سه گوش بریم تمام خیابان های اصلی و فرعی به صورت مثلث به هم متصل می باشند و خانه های سازمانی در میان این مثلث واقع شده است. همچنین در ناحیه ی چهارباغ بریم تمامی خیابان های اصلی و فرعی این ناحیه به طور موازی و عمودی به هم متصل شده اند و در هر نقطه اتصال، یک میدان وجود دارد (عبدی زاده، ۱۳۹۷: مستند بنگله). به هرروی، در اوایل دهه ی ۱۳۹۹/۱۹۲۰م، محله ی بریم از مجموعه ی چندساختمان پراکنده به شبکه ای از خیابان های قابل گسترش تبدیل شده بود که شامل خوابگاه های مخصوص کارمندان مجرد معروف

به فلت^۱ به نام‌هایی چون «اسلاید والو»^۲ و «سان شاین»^۳ و همچنین در این محله ویلاهای دو طبقه‌ی بزرگی در نزدیکی رودخانه برای کارمندان ارشد (کارمندان عالی رتبه) احداث گردیده بود. این کارمندان دارای عنوان سازمانی سینیوراستاف^۴ بودند (رتبه ۵ تا ۱۰). قسمت دیگری نیز اختصاص به رؤسای عالی رتبه‌ی شرکت نفت (رئیس پالایشگاه، معاونان و...) داشت که عبور و مرور به آن منطقه برای افراد عادی و حتی شرکت نفتی‌های عادی هم ممنوع بود (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۶). بنابراین تا پیش از ملی شدن صنعت نفت در محله‌ی بریم عمدتاً انگلیسی‌ها زندگی می‌کردند.

بنابراین منطقه‌ی بریم به صورت باغ شهر و با استفاده از الگوی شهرسازی نوین انگلستان طراحی شده بود. وجود خانه‌های یکسان و باغچه‌های سرسبز و خیابان‌های پر از درخت با بلوارهای گسترده و چراغ‌های متعدد منظره‌ی زیبایی را برای این محله به وجود آورده که از هر حیث خیره‌کننده و شگفت‌انگیز است. در همین رابطه گزارش شده است که پس از جنگ جهانی دوم و در آغاز استخدام فارغ‌التحصیل‌های دانشگاهی، گروهی از آن‌ها را برای آشنایی با محل به آبادان بردند و محله‌ی «بریم» و خانه‌ها و خیابان‌های ردیف به ردیف و درخت‌های اکالیپتوس را به آنان نشان دادند و آن‌ها در بازگشت، آبادان را یک «لندن کوچک خواندند (کامشاد، ۱۳۸۸: ۸۹). در این زمان بریم به الماس تمامی محلات مسکونی در ایران تبدیل شده بود (Karimi, 2009: 81). در واقع شرکت نفت انگلیس و ایران، محله‌ی بریم را برای سکونت مدیران عالی رتبه‌ی شرکت نفت به شکل بهشتی درآورده بود که از تمام امکانات رفاهی و تفریحی مانند استخرشنا، باشگاه، مهمانسرا، رستوران انکس^۵، نخلستان و خانه‌های عالی و مجهز موسوم به بنگله^۶ بهره‌مند بودند. این بنگله‌ها توسط فضای سبز و شمشادهای منظم احاطه شده بودند. خانه‌های آجری خوش نمای بخش انگلیسی بریم چنان به نظر می‌رسید که گویی آن را درست از بیرمنگام^۷ برداشته

¹ - Felat

² - Slidevalve

³ - Sunshine

⁴ - Senior Staff

⁵ - Annex

⁶ - Bangla

⁷ - Birmingham

و در آبادان گذاشته اند : جعبه های گل، صندوق های پستی و باغچه های جلوی خانه، ایوان های گچ کاری شده و پشت پنجره ها همه کاملاً انگلیسی بودند. حتی اتومبیل ها و اتوبوس ها همه ساخت انگلستان بودند و از سمت چپ حرکت می کردند. آبادان از سرتاپا شهری متعلق به شرکت نفت بود. در اینجا همه چیز نشانه ی شرکت نفت انگلیس و ایران را در خود داشت (فرمانفرمائیان، ۱۳۷۷ : ۱۱۲).

محلله ی بوارده : طراح بوارده جیمز مالیسن ویلسون بود. طرح بوارده با الهام از پیاده سازی اندیشه های باغ شهر و زیبا شهر به دست لاتینز^۱ در دهلی نو (۱۹۱۴-۱۹۴۰ م) داده شد (کریسون، ۱۳۸۵ : ۱۰۲). در واقع وی کوشید برابر اصول بنیادین باغ شهرها، به کمک عوامل طبیعی و مصنوعی حاشیه ی امنی برای این محله ایجاد نماید و مانع از نزدیک شدن و یا رشد مناطق غیررسمی در کنار بدنه و لبه ی اصلی بوارده شود. بنابراین وی مهم ترین اصول بنیادین باغ شهرها را در طراحی و احداث محله ی بوارده در نظر گرفته بود. از جمله مهم ترین اصول باغ شهرها که در طراحی بوارده پیاده شد، عبارت بودند از :

(۱) منازل تمام طبقات اجتماعی باید در پیرامون یک میدان مرکزی بزرگ، یعنی جایی که ساختمان های عمومی شهر در آن قرار دارند توزیع شود .

(۲) شهر باید توسط کمربند سبز دائمی به مساحت ۳ تا ۵ هزار ایکر احاطه شده باشد .

(۳) شهر باید مزایای دو محیط شهری و روستایی از قبیل هوای آزاد، پارک، باغ ها، زمین های بازی، کلبه های روستایی و همچنین امکاناتی نظیر مدرسه، بیمارستان، مراکز تفریحی و ... را دارا باشد (هیراسکار، ۱۳۷۶ : ۲۳). ویلسون در باغ های حومه ی شهری بوارده الگویی راه گشا پدید آورد. کیفیت و ارزش بناها و ساختمان های مسکونی و غیر مسکونی، الگو و عمر ساختمان ها، الگوی توزیع فضای باز، فضای سبز، شبکه ی معابر، مصالح ساختمان بومی و غیر بومی، الگوهای مالکیت و عوامل دیگر همگی از عواملی است که این محله را به عنوان یک نشان معماری و شهرسازی نسبت به شهرستان آبادان و حتی کل کشور متمایز ساخته است (زویداویان پور، بی تا : ۶).

مورفولوژی محله ی بوارده با ساختار معماری انگلیسی، ترکیبی از دو طرح شطرنجی و شعاعی (قطاعی) بود. طرح شعاعی یا قطاعی بودن محله ی بوارده به گونه ای بود که با

^۱ - Latinz

^۲ - Iker

حرکت از مرکز به پیرامون، ادامه‌ی خیابان‌های اصلی به فرعی با دسترسی کنترل شده منتهی می‌شد. پیوند شبکه‌ها با یکدیگر از طریق هسته‌ی بخش‌های مرکزی صورت می‌گرفت و جهت غیرمتمرکز نمودن شبکه، از معابری که شعاع‌ها را به هم مرتبط می‌سازند به صورت خیابان‌هایی عریض و با ساختی قطاعی طراحی و اجرا شده است (امیری، ۱۳۹۸):

(۱۹۳). بر همین اساس، معابر در مناطق شرکت نفتی و به ویژه در محله‌ی بوارده به صورت یک شریان منظم خطی برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا شده است که این امر سبب راحتی دسترسی به کل منطقه را فراهم نموده است.

محله‌ی بوارده نیز مانند محله بریم، محله‌ای سرسبز و با نشاط بوده و اطراف خیابان‌های آن نیز پوشیده از درخت و فضای سبز می‌باشد. محله بوارده به دو محله بوارده شمالی و بوارده جنوبی تقسیم می‌شد. بوارده‌ی شمالی و جنوبی اختصاص به کارمندان اروپایی، هندی و ایرانی ازگرایده^۱ ۵ تا ۱۰ داشت. تا قبل از ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱م، تعداد خانواده‌های انگلیسی و هندی در این دو محله نسبتاً زیاد بود، اما بعد از ملی شدن صنعت نفت ساکنان عمده‌ی آن را کارمندان ایرانی تشکیل می‌داد و تعداد کمی هم خانواده‌های انگلیسی و اسکاتلندی در بین آن‌ها دیده می‌شد.

محله‌ی سیک لین: از دیگر محله‌های مسکونی شرکت نفتی در آبادان، محله‌ی «سیک لین» بود. این محله چسبیده به دیوار شرقی پالایشگاه بود. مورفولوژی محله‌ی سیک لین کاملاً به صورت شطرنجی طراحی شده بود. خیابان‌ها بسیار باریک ولی عمود برهم و دارای تقاطع بودند. کوچه‌ها نیز تنگ و باریک بودند. برای این محله هیچ‌گونه درختکاری و چمن‌کاری و فضای سبزی طراحی نشده بود و به همین دلیل از فضای سبز محروم بود. متراژ خانه‌ها بسیار پایین و حدود ۵۰ متر بود. این محله به دلیل قرار گرفتن در جوار پالایشگاه دائماً بوی بدگازهای پالایشگاه در آن استنشاق می‌شد (لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۵۲۸). به طوری که تمام درد و بلای پالایشگاه برسر این محله بود. بدون تردید موقعیت جغرافیایی این مکان به دلیل قرار گرفتن در جوار پالایشگاه اصلاً مناسب نبود و مردن هندی‌ها برای آن‌ها اهمیتی نداشت. در واقع هدف مدیران انگلیسی شرکت نفت انگلیس و ایران از قرار دادن این محله در جوار پالایشگاه این بود که هرگاه کارگران ایرانی

^۱ Grade -رتبه، درجه

پالایشگاه اعتراض یا شورشی کنند، مدیران شرکت نفت با فراخواندن هندی های محله ی سیک لین، آنان را سرکوب کنند. تاریخ سرکوب های اعتراضات کارگری پالایشگاه مؤید این نظر است. انگلیسی ها برای هندی ها در این محله رستوران، باشگاه، سینما ساخته بودند. مدیران انگلیسی شرکت نفت نیز به لحاظ فرهنگی هیچ گونه محدودیتی را در مرادوات هندی ها با ایرانیان به کار نداشتند و از آنجا که برخی ایرانیان به عنوان خدمتگذار هندی ها کار می کردند بدین گونه آنان واسطه ی انتقال فرهنگی دو جانبه میان ایرانیان و انگلیسی ها شدند (فرخ مهر، ۱۳۸۶: ۷۱)

محلات کارگری شرکت نفتی آبادان: این محلات به ترتیب زمان احداث عبارت بودند از: بهمنشیر، فرح آباد، بهار و پیروز آباد. طراحی و ساختار فضایی این محله ها بسیار شبیه به هم و دارای خیابان های اصلی کم عرض بودند که به هر خیابان تعداد زیادی کوچه عمود می شد. خیابان ها از سرسبزی لازم برخوردار نبودند و درب رو به حیاط در کوچه های نسبتاً عریض و درب پشت ساختمان به کوچه های باریک باز می شد. سرهرکوچه با لوله های ضخیمی مهار شده بود تا خودرو نتواند وارد کوچه شود. از وسط هر منطقه ی کارگری یک خیابان بسیار عریض یا بلوار مانند گذر می کرد که گرچه دارای درخت بود اما از چمن و پرچین شمشادی مانند منطقه های بریم و بوارده خبری نبود.

محله ی بهمنشیر: این محله، محل سکونت کارگران عادی بود. در ساختار فضای شهری این محله، شرکت نفت انگلیس و ایران یک پارک (باغ) کودک طراحی و احداث کرده بود. در پارک کودک محله ی بهمنشیر (کوی کارگر) علاوه بر وسایل بازی برای کودکان، یک سینمای روباز نیز طراحی و احداث کرده بود که یکبار در شبانه روز برنامه های کودک برای کودکان پخش می شد. (درخشانی، ۱۳۹۸: ۲۴۱). محاسن پارک کودک محله ی بهمنشیر، داشتن حصار پیرامونی به صورت ترکیبی از فنس^۱ و فضای سبز (پرچین)، داشتن نگهبان ساکن در پارک بود و نیز دسترسی مناسب به پارک و وجود خیابان های عریض در دو ضلع آن بود.

محله ی فرح آباد و بهار: این دو محله ی کارگری نسبت به سایر محلات مسکونی شرکت نفتی جدیدالاحداث و متصل به هم از منتهی الیه محله ی بهمنشیر شروع شده و

^۱ Fence-حصار سیمی

درابتدای خیابان بهمنشیر- خرمشهر تا انتهای شمالی دیوار شرقی پالایشگاه ادامه داشت . این محله در کنار رودخانه ی بهمنشیر واقع شده است و از ایستگاه یک شروع می شد و تا ایستگاه سه پایان می پذیرفت . نام فرح آباد، ارتباطی با نام فرح پهلوی نداشت چراکه این محله در روزگار ثریا اسفندیاری (دومین همسر شاه) توسط شرکت نفت انگلیس و ایران طراحی و احداث شده بود. (فرخ مهر، ۱۳۸۹ : ۲۱۵) . زمان طراحی و ساخت این محله در دوره ی جنگ جهانی دوم و در فاصله ی سال های ۱۳۱۸ ش/ ۱۹۳۹ م تا ۱۳۲۴ ش/ ۱۹۴۵ م بود . در زمان جنگ سربازان هندی ارتش انگلیس را در آن اسکان دادند . محله ی فرح آباد، محله ای مصفا، پاکیزه و نوساز شرکت نفتی بود . خانه های این محله به شکل ردیفی و کوچه ها نیز شماره گذاری شده بودند. محله ی کارگری بهار در کنار رودخانه ی بهمنشیر و روبه روی بازار قرار داشت. این محله محدوده ی ایستگاه ۴ تا ایستگاه ۷ را شامل می شد . این محله در جوار محله ی نوساز فرح آباد قرار داشت و عملیات طراحی و احداث آن پس از اعتصابات تیرماه ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ م شروع گردید . عملیات ساختمانی هر دو محله ی فرح آباد و بهار تا سال ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۱ م تکمیل و به کارگران واگذار گردید . تعداد خانه های این دو محله ۱۵۰۰ دستگاه بود که روی هم رفته به طرز نسبتاً مناسبی ساخته شده بودند(لسانی، ۱۳۵۷ : ۲۹۱) . دیگر محله ی کارگری شرکت نفتی آبادان محله ی پیروز آباد نام داشت .

ب) محلات غیر شرکت نفتی آبادان

یکی دیگر از جنبه های افزایش جمعیت شرکت شهرهای نفتی و توسعه ی فضای شهری، ایجاد محله ها و شهرهای غیر رسمی در جوار شرکت شهرهای رسمی است. آبادان نیز از این قاعده مستثنی نبود. جمعیت این محله ها (به استثنای کارکنان شرکت) حق استفاده از امکانات رفاهی شرکت را نداشتند . آن ها حتی در مواقع ضروری نیز نمی توانستند از این امکانات استفاده کنند . در واقع استفاده از امکانات شرکت موضوعی بود که برای بسیاری از ساکنان محله های غیر رسمی در شمار بالاترین آرزوها درآمده بود و همین موضوع تضادهای موجود در شرکت شهرها را پیچیده تر می کرد (جعفری قنواتی، ۱۳۸۳ : ۱۳۸) . بنابراین، اقدام شرکت نفت انگلیس و ایران در ایجاد چهارنهریا حفار عظیم مابین محلات شرکت نفتی و محلات غیر شرکت نفتی را باید در همین راستا شمرد . ساختار فضای شهری محلات غیر شرکت نفتی آبادان نه بر پایه ی طراحی و اصول

منظم شهرسازی بلکه براساس نیاز و مطابق الگوها و امکانات موجود و با استفاده از ابزارها و مصالح ممکن و دردسترس شکل گرفته است. نقشه‌ی این محله‌های خودجوش، نقشه‌ی خیالی ذهن‌های صاحبان آلونک‌ها و خانه‌های خشتی بود که هیچ ترتیبی و آدابی برآن مترتب نبود (معتقدی، ۱۳۹۶: ۱۴۷). بر همین اساس محلات غیر شرکت نفتی آبادان با معماری بومی و سنتی و به صورت خودجوش پدید آمدند و از تمام امکانات بهداشتی و رفاهی و حتی آب آشامیدنی و فاضلاب نیز محروم بودند. بنابراین، محلات غیر شرکت نفتی آبادان از آغاز تأسیس پالایشگاه تا نهضت ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م عبارت بودند از: کاغذآباد، چادرآباد، حصیرآباد، محله‌ی «شهر»، محله‌ی بازار، کفیشه، کارون، ابوالحسن و احمدآباد. که از میان این محلات به ساختار فضایی محله‌ی احمدآباد پرداخته می‌شود.

محله‌ی احمدآباد: ساکنان احمدآباد گودنشینان و حاشیه نشینان شهری بودند. این محله به علت نداشتن آب و مستراح به قدری کثیف و متعفن بود که اغلب امراض از آن جا شیوع پیدا می‌کرد (افتخاری، ۱۳۷۰: ۳۱). بعدها شرکت مهندسی کارون با نظارت و بودجه‌ی شهرداری آبادان، این محله را ساماندهی کرد و آن را براساس اصول منظم شهری و به شکل شطرنجی طراحی نمود. ابوالفضل لسانی که در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م از آبادان دیدن کرده بود در توصیف این محله می‌نویسد: این محله به شکل مستطیل و در بین خیابان‌های آبادان - بهمنشیر و آبادان - بوارده و بوارده‌ی شمالی و قبرستان مسلمین محصور شده است. این محله مانند شهر آبادان بود با این تفاوت که چون تازه‌سازتر بود به همین جهت در خیابان بندی آن دقت بیشتری به عمل آمده بود و بافت آن کاملاً شطرنجی بود ولی در عوض مردمانش فقیرتر و خانه‌هایش پوشالی‌تر و شلوغ‌تر بود و دکان‌های آن نیز وضعیت مناسبی نداشتند. فقط در ابتدا و وسط این محله نبود که کپرهای احداثی از بوریا و تخته باعث رونق خانه‌های گلی و نیمه‌آجری اطراف شده بود بلکه در انتهای این محله منازل مخصوصی دیده می‌شد که از روی هم گذاشتن چند قطعه حلبی زنگ زده، گونی پاره، شاخه‌ی درخت خرما، لنگه کفش مندرس و سفال شکسته به وجود آمده بود (لسانی، ۱۳۵۷: ۲۸۸). محله‌ی احمدآباد برای بار دوم نیز ساماندهی شد ولی بافت شطرنجی آن به هم نخورد.

نتیجه

کشف نفت در سال ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م در میدان نفتون مسجدسلیمان و تأسیس پالایشگاه عظیم آبادان در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۲م موجب تحولات عمده‌ای در عرصه‌ی معماری و شهرسازی گردید. با ورود انگلیسی‌ها و در پی آن طراحان و معماران شهرسازی به منطقه، ایده‌های نوینی در شهرسازی ارائه شد که با پیاده شدن این ایده‌ها چهره‌ی شهرهای نفتی خوزستان به ویژه آبادان به کلی تغییر یافت و شباهت زیادی به شهرهای اروپایی و مستعمراتی انگلیس در آسیا و آفریقا یافت. در واقع مدیران انگلیسی شرکت نفت انگلیس و ایران در طراحی و احداث شهرهای نفتی خوزستان به ویژه آبادان مینا را بر شبیه سازی شهرهای جدیدالاحداث خوزستان با شهرهای زادگاه کارکنان خارجی شرکت نفت قرار داده بودند تا کارکنان خارجی شرکت نفت در آبادان احساس غربت و دلتنگی نکنند. در واقع شهرهای نفتی خوزستان از جمله آبادان پاسخی به خواسته‌های درونی کارکنان خارجی و خانواده‌های آنان بود و بر همین اساس در شکل‌گیری و توسعه‌ی کالبدی این شرکت شهرها، سلايق و علايق ایرانیان ساکن آبادان و کارکنان ایرانی شاغل در پالایشگاه هیچ گونه تأثیری نداشت. در واقع ساختار فضایی این شرکت شهرها، ساختاری بیگانه بود. با خواست مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران، طراحان و معماران شهری، محلات شرکت نفتی آبادان را کاملاً جدا از یکدیگر طراحی و احداث نموده بودند. شرکت نفت با احداث فروشگاه، باشگاه، سینما، استخر و... در هر محله از یک طرف ساکنان را از جابه جایی از محله‌ای به محله‌ی دیگر باز می‌داشت و از طرف دیگر ساکنان می‌توانستند کلیه‌ی مایحتاج خود را در محله‌ی سکونت خود تأمین کنند. جیمز ماليسن و یلسون طراح و معمار شرکت شهر آبادان مورفولوژی محلات شرکت نفتی آبادان را بر اساس چهار شاخص، اصل تفکیک و جداسازی محلات از یکدیگر، شکل شطرنجی شهر، شکل خطی شهر و طراحی شهر براساس باغ شهر هاوارد طراحی کرد. سیمای فضایی محلات شرکت نفتی آبادان به شکل باغ شهری از درخت‌های متنوع با بوته‌های مورد و شمشاد و خیابان‌های سرسبز و پراز درخت بود حال آنکه محلات غیر شرکت نفتی آبادان عاری از درخت و سبزه و فاقد اصول شهرسازی بود و به شکل انداموار و بدون هیچ طرح و ایده‌ای پدیدار شده بودند و شرکت نفت انگلیس و ایران اندک توجهی به این محلات نداشت و با مشکلات عدیده‌ای به حیات خود ادامه دادند.

منابع

۱. آوری، پیترو (۱۳۸۸)، تاریخ ایران در دوره ی پهلوی (از رضاشاه تا انقلاب اسلامی) ، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، دفتر دوم از جلد هفتم ، چاپ اول ، تهران : انتشارات جامی .
۲. احسانی، کاوه (۱۳۹۸)، تاریخ اجتماعی کار در صنعت نفت ایران ، محیط مصنوع و شکل گیری طبقه ی کارگر صنعتی ، چاپ اول ، تهران : انتشارات شیرازه .
۳. (۱۳۷۸)، تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت - شهرک های خوزستان : نگاهی به تجربه آبادان و مسجدسلیمان . فصلنامه ی فرهنگی و اجتماعی گفت و گو . پائیز . شماره ۲۵ .
۴. افتخاری، یوسف (۱۳۷۰) ، خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری) . به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی . تهران : انتشارات فردوس .
۵. افشین، کاظم (۱۳۳۳) ، نفت و خوزستانیان ، تهران : شرکت چاپخانه فردوسی .
۶. امیری، سیدنورالدین (۱۳۹۴) ، نفت شهرهای ایرانی ، چاپ اول ، بوشهر : انتشارات دانشگاه خلیج فارس .
۷. انصاری، مصطفی (۱۳۸۴) ، تاریخ خوزستان ۱۸۷۸ - ۱۹۲۵ (دوره ی خاندان کعب و شیخ خزعل) ، ترجمه محمدجوهر کلام ، چاپ دوم ، تهران : انتشارات شادگان .
۸. باور، سیروس (۱۳۹۸) ، نفت، تمدن صنعتی و معماری ، . چاپ اول ، تهران : هنر معماری قرن .
۹. بحرانی پور، علی (۱۳۹۲) ، آبادان - از ایران چه می دانم ؟ تهران : انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی .
۱۰. پیرزاد، زویا (۱۳۸۱) ، چراغ ها را من خاموش می کنم . تهران : انتشارات مرکز .
۱۱. جعفری قنواتی محمد (۱۳۸۳) ، نفت و بازتاب آن در داستان نویسان خوزستانی ، فصلنامه مطالعات ملی ، شماره ۱۹
۱۲. دانشور، محمود (۱۳۲۷) ، دیدنیها و شنیدنیهای ایران ، جلد اول ، تهران : چاپخانه فردوسی .

۱۳. درخشانی، نجلا (۱۳۹۸)، آثار ملی آبادان و خرمشهر (منطقه آزاد اروند)، چاپ اول، تهران: انتشارات ارسطو

۱۴. زویدادیان پور، محمود (بی تا)، شاخصه های طراحی معماری مسکن شرکت نفتی در آبادان (نمونه مورد مطالعه: محله بوارده)، انجمن توسعه و ترویج و فنون بنیادین.

۱۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۷۴۵۰

۱۶. سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵)، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر آبی.

۱۷. شرکت های عامل نفت (۱۳۴۶)، نکاتی چند درباره ی آبادان، تهران: انتشارات شرکت نفت.

۱۸. شکوئی، حسین (۱۳۵۴)، جغرافیای شهری، بخش دوم، چاپ اول، تبریز: انتشارات شفق.

۱۹. عبدی زاده، کیمیا (۱۳۹۷)، مستند بنگله.

۲۰. فاتح، مصطفی (۱۳۳۴)، پنجاه سال نفت، تهران: انتشارات کاوه.

۲۱. فخمی، قباد (۱۳۸۷)، سی سال نفت ایران (از ملی شدن تا انقلاب اسلامی)، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب مهراندیش.

۲۲. فرخ مهر، علی (۱۳۸۶)، تلخ و شیرین آبادان، اروندکنار، خرمشهر. چاپ اول، اراک: انتشارات پیام دیگر..... (۱۳۸۹)، آبادان - خاک

خوبان، یادیاران، چاپ اول، اراک: انتشارات نجبا

۲۳. فرمانفرمائی، منوچهر. و رخسان فرمانفرمائی (۱۳۷۷)، خون و نفت (خاطرات یک شاهزاده ایرانی)، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ هشتم، تهران: انتشارات ققنوس.

۲۴. فرید، یدالله (۱۳۹۱)، جغرافیا و شهرنشینی، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تبریز.

۲۵. کاستلو، وینسنت فرانسیس (۱۳۸۳)، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نی .
۲۶. کامشاد، حسن (۱۳۸۸)، حدیث نفس، چاپ دوم، تهران: انتشارات نی .
۲۷. کریسون، مارک (۱۳۸۵)، "آبادان: شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس، ترجمه فرزین فردانش، گلستان هنر، شماره ۶
۲۸. کوچکیان، مسعود . و دیگران (۱۳۹۷)، . نقش دولت استعماری در باز تعریف معماری مسکونی ایران . فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۷۳.
۲۹. لاواین دورتینگ، پولین . ۱۳۸۲ . شهرک های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان، مطالعه ای درباره ی تاریخ شرک نشینی (۱۹۰۸-۱۹۵۱) . ترجمه بشیریاقموری . فصلنامه تاریخ روابط خارجی . شماره ۱۵ . صص ۱۹۹ تا ۲۰۶ .
۳۰. لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، طلای سیاه یا بلای ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر .
۳۱. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵)، جامعه شناسی آبادان، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیان مهر .
۳۲. معتقدی، ربابه (۱۳۹۶)، نفت و زندگی، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران .
۳۳. میدری، احمد (۱۳۷۸)، "آبادان یک الگو و یک استثنا در تاریخ ایران: گفتگو با کاوه احسانی"، روزنامه آزادگان، س اول، ۵ دیماه، شماره ۶۶ .
۳۴. نوروزیان پور، هیربد و صبا سلطانی قرایی (۱۳۹۲)، بررسی هویت معاصر شهرهای شکل گرفته تحت تأثیر اکتشاف نفت در خاورمیانه: مطالعه موردی آبادان و مسجد سلیمان: (نفت، مدرنیزاسیون، مهاجرت)، مشهد: اولین کنفرانس ملی معماری و فضاهای شهری پایدار .
۳۵. ولی زاده، ایرج (۱۳۸۹)، انگلو و بنگلو در آبادان؛ خاطرات هفتادساله پسرک فرمانبر، چاپ اول، تهران: انتشارات علوم و کامپیوتر .
۳۶. ویلسن، آرنولد (۱۳۶۳)، سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، چاپ دوم، تهران: انتشارات وحید .

۲۴۳ خمسه و همکاران: نقش شرکت نفت انگلیس و ایران در شکل گیری ساختار فضای شهری...

۳۷. هیراسکار، جی کی (۱۳۷۶)، درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمد رضا یکانی فرد، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

BP68779

Karimi, p(2009). Transitions Domestic Architecture and Hom culture Twentieth century in iran , ph . D Thesis in Architecture , massachussets institute of Technology .

Osborn. J . Frederic (1969) Green – Beltcities . Evelyn , Adams and Mackay, London .